

عنوان مقاله:

تحلیل فلسفی در نظریه عالم هنر آرتور دانتو

محل انتشار:

دوفصلنامه شناخت، دوره 6، شماره 2 (سال: 1392)

تعداد صفحات اصل مقاله: 32

نویسندگان:

محمدرضا شریف زاده - دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

اسماعیل بنی اردلان - دانشگاه هنر

خلاصه مقاله:

این مقاله به تبیین اهمیت تحلیل فلسفی در رویکرد دانتو برای تعریف هنر می پردازد. فلسفه هنر دانتو در تلاقی سنت فلسفی قاره ای و تحلیلی قرار دارد، ضمن آنکه رویکرد او به فلسفه هنر را می توان پساتحلیلی نیز خواند. دانتو علی رغم ممنوعیت نوویتگنشتاینی ها برای تعریف هنر، تلاش دارد که تعریف کاملی از آن ارائه دهد. در نظریه او با عنوان «عالم هنر» می توان با تکیه بر رویکرد فلسفی گسترده تر مبنی بر همتایان تمایز ناپذیر، الزام حضور فلسفه را در هنر دانستن چیزی عیان ساخت. در نظر دانتو، گسترش تاریخ هنر در حدود سال ۱۹۶۴ هم زمان با عرضه جعبه های صابون بریلوی وار هول به پایان می رسد. از این بابت می توان نتیجه گرفت که ما دیگر قادر نیستیم به لحاظ ادراکی بین اثر هنری و شیئی روزمره تمایز قائل شویم. بدین ترتیب، آنچه یک اثر هنری را از یک شیئی معمولی متمایز میسازد، وجود یک نظریه هنری است؛ همان طور که در هر دوره ای از تاریخ، آگاهانه یا ناآگاهانه، در تعیین هنر از غیر هنر، نظریه ای درکار بوده است. اما امروزه، این امر، وجه تازه ای به خود گرفته است، همچنان که هنر فراتر از چارچوب تجربه زیباشناختی رفته و با مسائل سیاسی، فرهنگی، فلسفی و ... درگیر شده است.

کلمات کلیدی:

فلسفه هنر، عالم هنر، تمایزناپذیری، هنر زیبا، شیئی معمولی، پایان هنر

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1300103>

